

21 مارچ 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

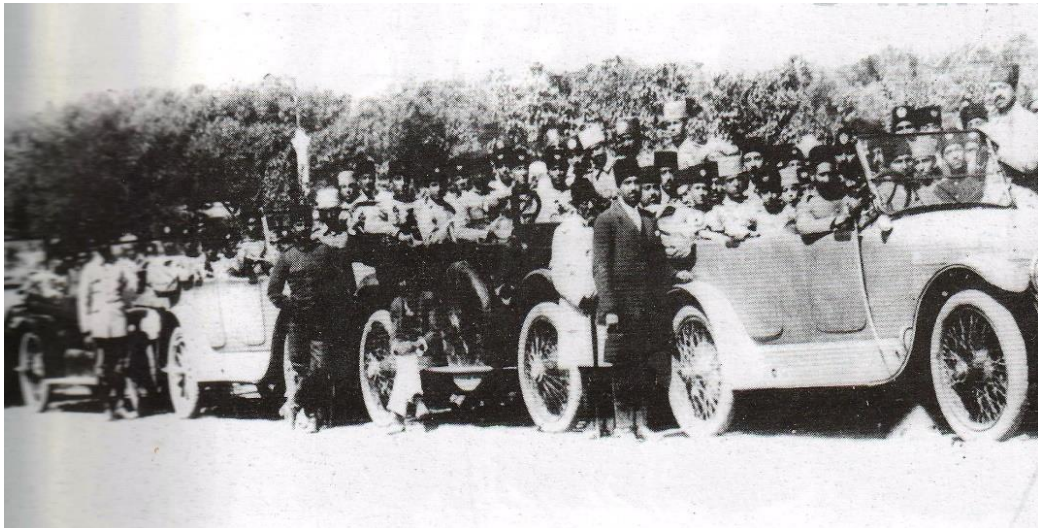
## شاه امان الله غازی - بانی تحول در زندگی زن افغان

(به مناسبت روز جهانی زن)

(قسمت هشتم)

### اعزام دختران جهت تحصیل به ترکیه

بر علاوه فراهم آوری زمینه های تحصیل برای نوجوانان افغان در داخل کشور، شاه امان الله تلاش کرد تا عده ای از پسران و دختران را جهت تحصیل به خارج کشور نیز اعزام دارد. چنانچه در خزان 1921 (در دو نوبت جداگانه) به تعداد مجموعی 90 پسر جوان به اروپا اعزام شدند (48 نفر به جرمنی، 36 نفر به فرانسه و 6 نفر به ایتالیا) و در نظر بود تا در موقع مساعد یک عده دختران جوان را نیز جهت فراگیری طبابت زنانه به یکی از کشورهای اسلامی اعزام شوند. این پروگرام بعد از برگشت شاه و ملکه از سفر اروپا عملی شد و بتاريخ 9 میزان 1307 (29 سپتمبر 1928) ضمن اعزام یک صد پسر جوان جهت تحصیل به ترکیه، به تعداد 16 دختر نیمه جوان افغان که صنف دوم رشديه مکتب مستورات رابه پایان رسانیده بودند، نیز جمع این گروه به آن کشور فرستاده شدند.



قابل ذکر است که جهت وداع آنها مراسم خاص پذیرائی در قصر ستور وزارت خارجه برپا شد و در آن شاه و ملکه هریک رامورد تفقد قرار داده و به ایشان دعای موفقیت نمودند. پسران با لباسهای سفید و دخترها با لباسهای آبی (بالاپوش و کلاه و روپوش نوع مصری) با حضور جمعیت زیادی از رجال دولتی و اعضای فامیل، سوار موترها شده جانب پشاور حرکت کردند. آنها بوسیله قطار (ریل) نخست به بندر کراچی رفتند و از آنجا ذریعه کشتی بطرف استانبول براه افتادند. امور سرپرستی

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

دختران را در طول سفر محمد اسمعیل خان قونسل بعهدہ داشت و در بندر استانبول توسط سفیر افغانی (غلام جیلانی خان چرخي) و خانم شان استقبال شدند.



اسامی یکعده دختران از اینقرار بودند (در عکس سمت راست دیده شود) از چپ به راست:  
 1- صالحه دختر نصرالله خان نائب السلطنه، 2 - زینب دختر عبدالحمید خان کواسه امیرشیرعلی خان ،  
 3 - خدیجه دختر میرهاشم خان وزیرمالیه (عمه نویسنده این مقاله)، 4 - روح افزا دختر عزیزالله خان  
 قتیل، 5 - زهرا دختر دین محمد خان ، 6 - هاجره دختر عبدالعزیز خان وزیرداخله، 7 - زینب  
 دختر میرزا فیض محمد خان ، 8 - زهرا دختر محمد بشیرخان، 9 - مریم دختر ملاء داؤد خان، 10 -  
 گوهر دختر غلام علی خان ، 11 - سردارو دختر...، 12 - زهرا دختر محمد سعید خان ، 13 - حلیمه  
 دختر عبدالعلی خان نواسه امیر محمد خان یعقوب خان. (اسکینازی، می: "زنان افغان"...، صفحه 17 و 18)



دختران افغان در استانبول شامل مکتب شدند و نخست به فرا گرفتن زبان ترکی پرداختند؛ در عکس با لباس یونیفورم مکتب دیده میشوند

شاه حسین خداحافظی شاگردان بیانیه مختصر ایراد کرد و گفت: «وقتی من به ترکیه رسیدم ، حکومت دوست و برادر ما ترکیه این طلبای ما را به خرچ خود حکومت ترکیه قبول فرمود که در مکاتب مختلف آن مملکت درس بخوانند. البته پسران بعد از طی مراحل رشدی و اعدادی به تحصیل فنون حربی مشغول میشوند و هکذا محصلان عزیز ما چند نفر داکترس و قابله و چند نفرشان در

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
 یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

دارالمعلمت ترکیه داخل شده، برای وطن خود داکترس و قابله ها و معلمت ماهر و فاضل خواهند شد.» ملکه ثریا به خانم سفیر افغانستان در ترکیه هدایت داد تا از این دختران که سن شان بیش از 14 سال نبود، سرپرستی کرده و از آنها در همه امور مراقبت جدی بعمل آورد. (وکلی فوفلزائی: "سفرهای..."، صفحه 281 و 284)

اعزام دختران به ترکیه به سرعت مبدل به حربه تبلیغ قوی مخالفان دولت شد و مثل بمب انفجار کرد. یکماه از اعزام دختران به ترکیه نگذشته بود که آتش اغتشاش در وطن شعله ور شد و تبلیغات جدی علیه رژیم اوج گرفت که می گفتند: «پادشاه دختران مسلمان را به کافر ها میدهد و پسران را کافر شده بوطن برمیگرداند».

### جلسات در قصر ستور:

پس از ختم لویه جرگه بتاريخ 11 سنبله 1307 (2 سپتمبر 1928) شاه تصمیم گرفت تابعی از اصلاحات مورد نظر را که در لویه جرگه فرصت ابلاغ نیافته بود، طی یک تعداد جلسات یومیه در قصر ستور (عمارت وزارت خارجه) با حضور تقریباً 600 نفر به شمول اعضای کوردپلماتیک تعداد کثیراراکین دولت اعم ازملکی ونظامی، اعضای شورای دولت وتعدادی از روشنفکران و معاریف و بزرگان شهر کابل با خانم های شان بیان کند. به همین مقصد اعلیحضرت از تاریخ 10 تا 13 میزان 1307 (2 تا 5 اکتوبر 1928) برای چهار روز متواتر جلسات دیگر را در قصر ستور دائر کرد.

در جلسه روز اول قصر ستور اعلیحضرت بیشتر به شرحی درباره سفر خود و موفقیت حاصله از آن پرداخت و نتایج سیاسی سفر خود را چنین بیان کرد: «عقد پیمان دوستی با مصر، ترکیه، سوئیس، پولند، جاپان، فنلند، لاتویا، لایبیریا و همچنان پیمان ترانزیتی به پولن عقد شد. پیمانهای دیگری آماده امضاء با استریا، هالند، دنمارک، سوئد، ناروی، چین، یمن، حجاز و مکسیکو شده است. از امان الله در همه جا پذیرائی های شاندار از طرف خانواده های شاهی برتانیای و نیز کشور های دیگر به شمول بلشویک های اتحاد شوروی صورت گرفت.» (آدامک: "روابط خارجی .."، صفحه 194)

در گزارش مربوط به مصارف سفر و خریداری اسلحه، ماشین آلات و وسائل تخنیکی و فابریکات اعلیحضرت نیز ارقامی را ارائه کرد و گفت که همه اسناد مربوطه جهت غور و تدقیق حساسی به وزارت مالیه ارائه گردیده و مصارف سفر (بدون خریداریها) به 19 لک و پنجاه و یک هزار افغانی (1.9 میلیون افغانی) میرسد، درحالیکه به ارزش مبلغ یک کرور و 28 لک و 88 هزار افغانی (12.9 میلیون افغانی) از طرف مقامات رسمی کشورها به حیث تحفه و هدایا بما داده شده که بعد از وضع مصارف سفر، به مبلغ یک کرور و 9 لک و 38 هزار افغانی (تقریباً 11 میلیون افغانی) عاید حال ما گردیده است. (برای شرح مزید دیده شود: گزارش مختصر این سفر برگرفته از بیانات شفاهی اعلیحضرت که بعداً به قید تحریر درآمد و به نشر رسید و متن آن با لست مکمل خریداریها در کتاب "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا"، ... صفحه 208 تا 220 نیز درج است. آدامک مبلغ خریداری ها را برحسب محاسبه آلمانها به مبلغ 14 میلیون مارک نقد در ایتالیا و فرانسه و در حدود 6 میلیون مارک در جرمنی وانمود میکند، صفحه 194)

در روز دوم اجلاس در قصر ستور اعلیحضرت نخست در مورد تعلیمات عسکری صحبت کرد و اراده و نیت خود را مبنی برانکشاف مکتب حربیه و توسعه تشکیلات آن بیان نمود و گفت که صاحب منصبان عسکری از مرید شدن و دست پیرگرفتن ممنوع میباشدند. او در عین زمان در باره انکشاف

معارف در ولایات کشور به شکل شعب مکاتب عالی آلمانی و فرانسوی که در کابل قبلاً تأسیس شده بودند، نیز مطالبی اظهار کرد.

شاه طی این مجلس درباره پوشیدن لباس اروپائی در شهر کابل سخن گفت، از توسعه هنر و مکتب موسیقی یاد کرد، تشکل حزب جدید بنام "فرقه استقلال و تجدد" را بریاست خود اعلام نمود، سنین ازدواج را برای دختران 18 ساله و پسران 22 ساله تعیین کرد. او همچنان موضوع تغییر روز رخصتی از جمعه به پنجشنبه، تعلیم مختلط دختران و پسران زیر سن 11 ساله، الغای تعدد زوجات برای مامورین دولت، تأسیس مکتب امور منزل برای نسوان بنام مکتب "راضیه" را به اطلاع حضار رسانید.

موضوع مهم و جنجال برانگیز را اعلیحضرت در روز سوم اجلاس مطرح کرد و آن عبارت بود از بحث بر لزوم رفع برقع یا چادری برای زنان و گفت: در ظرف دوماه چادری معموله زنان باید به شکل دیگر تعویض گردد، زیرا این چادری مانند "خیمه" بوده و هنگام راه رفتن آنها را با خطر افتادن و به زمین خوردن مواجه می سازد. بجای آن زنان میتوانند به مثل زنان ترکی روبندی را که مثل یک دستمال است و قسمت پایانی آن روی را می پوشاند، استفاده کنند که البته پوشیدن آن اختیاری خواهد بود. او علاوه کرد که چادری و حتی روبند از وجایب اسلامی نیست و با این تذکر از ملکه ثریا خواست تا روبند خود را بردارد و خطاب به خانم های حاضر مجلس گفت تا آنها نیز از ملکه پیروی نمایند، ولی ملکه با تائی اینکار را کرد و حضار مجلس به استقبال این امر کف زدند. در پایان اعلیحضرت باردیگر گفتار خود را متوجه ملاءها ساخت و از تعصب و جاهلیت آنها سخن گفت و علاوه کرد که آنها مسئول جمله عوام فریبی ها و منبع تمام تعصبات بیجا و پخش نادانی در جامعه میباشند.

قابل ذکر است وقتی ملکه ثریا روبند نازک خود را رسماً از روی برداشت، به تعقیب او زنان حاضر در مجلس که همه باشوهران خود آمده بودند، از این اقدام ملکه پیروی کرده روبند های خود را از روی کنار زدند. لذا روز 12 میزان 1307 (4 اکتوبر 1928) در حقیقت اولین روز تاریخی برای آزادی زنان از قید چادری است که البته با تأکید شاه و ملکه اینکار اختیاری بود و گفته شده که موضوع به شخص ارتباط دارد. (استیوارت، ریه تالی: "آتش در افغانستان..."، صفحه 68)

حضور ملکه ثریا در لویه جرگه 1307 پغمان و برداشتن چادر نازک از رویش نیز یک اقدام برجسته دیگر این زن پیشاهنگ نهضت زنان بود که نمایانگر عقیده راسخ و شهامت او در رفع موانع از سر راه زنان کشور در آن زمان محسوب میشود. زنان افغان از آنروز تا حال راه طولانی را طی کرده و در پیچ و تاب نشیب و فراز این راه با دشواریها و مشقات زیاد روبرو شده اند، اما حوصله و تحمل را از دست نداده اند و با این مبارزه آرام و دوامدار راه زن پیشاهنگ خود را هنوز هم با تائی و بردباری در پیش دارند.

در خطابه روز چهارم که بروز 13 میزان ادامه یافت اعلیحضرت اعلام کرد که قبلاً شیر احمد خان (رئیس شورای دولت) را به حیث صدراعظم تعیین کرده بود تا کابینه خود را تشکیل و برای شورای ملی معرفی دارد، اما چون موصوف موفق نشد تا افغانهای نخبه را شامل کابینه خود سازد، لذا خودم داوطلب اینکار میشوم و تشکیل کابینه را نموده و آنرا به شورای ملی معرفی میدارم. به نقل از آدامک، اعلیحضرت گفتار خود را با چنین جملات خاتمه داد: «من پادشاه انقلابی هستم و آرزو دارم تا انقلاب را در جهت زندگی کشور خود به وجود آورم و از جمله مامورین دولت، کسانی که

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

بصورت شعوری جرأت نمیکنند با من همکاری نمایند، باید از کارشان استعفی دهند.» در این محفل یکی از کسانی که استعفی خود را اعلام کرد، عبدالرحمن خان لودین - رئیس عمومی گمرکات بود. (درباره جریانات قصر ستور دیده شود - آدامک: "روابط خارجی افغانستان... صفحه 193 تا 196)

بعد از مجالس قصر ستور ملکه از زنان روشنفکر قندهار به ارگ دعوت کرد تا پیام او را مبنی بر نقش فعال زنان به خانم ها در قندهار برسانند، اما مردم قندهار گفتند هرگاه زنان قندهاری در کابل چادری را از خود دور کنند و زنان را به تعلیم و مکتب تشویق نمایند، ما آنها را خواهیم کشت. اینست یک نمونه کامل مبارزه و کشمکش بین تجدد و عنعنه که کشور ما را در عرصه یک قرن به خود مصروف ساخته و راه پیشرفت را بر ما بسته است.

شاه و ملکه هنگام سفر در مصر با یک خانم شاعره مصری بنام "حنیفه خوری" آشنا شدند که او یک قصیده بلند و بالا در وصف شاه و ملکه افغان سروده بود. ملکه از این زن شاعره دعوت کرد تا در جشن استقلال افغانستان شرکت کند. همان بود که موصوفه به کابل آمد و به حیث اولین مهمان رسمی خارجی از طبقه اناث در کابل مورد استقبال قرار گرفت. او دریاداشتهای خود می نویسد: «از طرف وزیر معارف افغانستان برای بازدید مدارس زنان دعوت شدم، واقعاً نهضت بی نظیر را در امور زنان در افغانستان مشاهده کردم و در جریان سفر خود از مکاتب حبیبیه، امانیه، رسامی، زراعت و مکتب مستورات دیدن کردم. از نظم تعلیم و اداره عالی مکتب مستورات که تحت اداره ملکه ثریا بود، متعجب شدم. ملکه در راه ترقی و پیشرفت مکتب کوشش های زیاد مینماید. ملکه را در اداره مکتب مادرش که مدیره آنجا بود، کمک میکرد... نهضت نسوان افغانستان در راه تقدم علمی و فرهنگی افغانستان نقش مهم بازی میکند و ملکه یک لحظه از غم مکتب و پیشرفت نسوان دور نیست. ملکه افغانستان از یک روش کاملاً دیموکراتیک استفاده میکند. دختران ملکه و خواهران شاه با دختران عادی افغان در یک مکتب تعلیم می آموزند و تمام شاگردان چه از خانواده سلطنتی و چه از خانواده های عادی افغانستان لباس عادی در مکتب می پوشند که همه یک شکل دارند.» (وکیلی فوفلزائی: "سفرهای شاه..."، صفحه 255 تا 257؛ همچنان مجددی، فضل غنی: "افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان 1919 - 1929"، چاپ اول، هیوارد - کالیفورنیا، 1997، صفحه 159 و 160)

شاه امان الله پس از برگشت از سفر اروپا عده ای از زنان را در حالیکه اکثرشان با حجاب (چادری) بودند، در قصر دلکشا فرا خواند و از تجارب سفرش به آنها قصه کرد گفت: «خوشتختانه که من به چند کشور اسلامی سفر کردم و به این نتیجه رسیدم که در هیچ یک از ممالک - نه در ترکیه و نه در ایران زنان مثل افغانستان زنده بگورند. حجاب شما را از ترقی و پیشرفت بازداشته، از نعمت علم محروم ساخته و مانع آن گردیده که برخلاف خواهران غربی تان بدون کسب و پیشه باقی بمانید. در واقع این موضوع شما را مجبور می سازد که محتاج شوهران تان باشید. امیدوارم روزی فرا رسد که شما را از این قید رها ببینم...» (سید رسول: "نگاهی به عهد سلطنت امانی"، از انتشارات کمیته فرهنگی اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان، چاپ اول، پشاور، 1405 قمری - 1364 ش، صفحه 185)

### (ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ